

خوشا آنان که الله یارشان بی  
که حمد و قل هو الله کارشان بی  
خوشا آنان که دائم در نمازند  
بهشت جاودان بازارشان بی

## و فدایی که در این نزدیکی است...

حمید باقریان

وقتی نوای ملکوتی اذان از سر گلدسته‌های سر به فلک کشیده در کوچه‌های شهر می پیچد، گویی که بوی بهشت مشامم را می نوازد، و مرا آماده می سازد برای زیباترین لحظه حضور، لحظه‌ای که در آن جریان دارد عشق، جریان دارد طیف، جریان دارد نور و من می روم تا در این دنیای پر زرق و برق به دور از دلبستگی‌های خاکی لحظه‌ای دل به آسمان، به آفتاب، به نور و روشنی بسپارم. می روم تا در حریم ملکوتی یار، چند رکعت نماز عشق بگذارم. می روم تا از دریای نیایش کاسه‌ای شبنم عشق بنوشم.

نیتی زلال می کنم و می گویم: خدایا! به من حضور قلب عطا فرما تا در حصار خاکی دنیا زنجیر خودپرستی و گمراهی دست و پای ایمانم را نبندد و آنقدر بر دل تاریک من نور معرفت بتابان تا هرگاه نوای دلنشین اذان را شنیدم، نه از روی عادت، بلکه از روی عشق و دلدادگی رو به درگاهت آورم و با تو عاشقانه به گفتگو بنشینم:

«خوشا آنان که الله یارشان بی  
خوشا آنان که دائم در نمازند  
که حمد و قل هو الله کارشان بی  
بهشت جاودان بازارشان بی»<sup>۱</sup>

آنگاه با دلی سرشار از حضور برمی خیزم. آب بر چهره روح عطشم می ریزم. رو به قبله نیاز می نشینم تا گلی از گلستان توحید بچینم. شور اشتیاق در دلم موج می زند. با دلی سرشار از یقین، قامت عشق می بندم «قد قامت الصلوة، قد قامت الصلوة» همه وجودم از عشق متبلور می شود. «الله اکبر، الله اکبر» جلال و جبروتش چنان هیاهویی بر دلم می اندازد که بی خود از خویش می شوم. آیه‌های نورانی نماز چون شبنمی بر گلبرگ لبم می تراود.

# به نام خداوند کریم و خطابخش و پوزش پذیر خدایی که عالم را در هفت روز آفرید خداوند زمین و آسمان

بسم الله الرحمن الرحيم  
«به نام خداوند بخشاینده و مهربان»  
خداوند زمین و آسمان

«خداوند بخشنده دستگیر کریم خطا بخش و پوزش پذیر»<sup>۲</sup>

﴿الحمد لله رب العالمين﴾

«ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان است» .  
خدایی اکبر و اعظم ، خدای عالم و آدم خدایی که عالم را در هفت روز آفرید .  
و از روح خود در ضمیر انسان دمید .  
ستایش خدایی را که بر صفحه خاک نقش جنگل و دریا ، کوه و صحرا را کشید .  
خدایی که همه هستی از اوست ؛ «ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده»<sup>۳</sup>

﴿الرحمن الرحيم﴾

«خداوند بخشاینده و مهربان»

خداوندی که همه عالمیان ، اغنیا و ضعیفان ، از دریای لطف بیکرانش می نوشند و سیراب می شوند .

﴿مالک يوم الدين﴾

«پروردگاری که پادشاه روز جزاست» .

روز سرنوشت ، روز رستاخیز و روز البت .  
روزی که انسان نامه به دست ، رو به درگاه ربوبیت دوست می ایستد تا آنچه را که در مزرعه اعمال  
خویش کاشته است برداشت کند . خواه خوشه های طلایی ثواب ، خواه خارهای گناه ؛  
«من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش»

هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت»<sup>۴</sup>

پروردگار من ، پرستش توست که ما را از باتلاق منیت رها می سازد .

خدایا! تنها در زیر آسمان یکتا پرستی توست که می توانیم با بال و پری به وسعت پرواز تا سمت عزت  
و آزادگی اوج بگیریم .

# در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه ای برون آی ای کوب هدایت

الهی! تنها تو را می پرستیم که تلاوت نامت آرامش قلب هاست، ﴿الا  
بذكر الله تطمئن القلوب﴾. (سوره رعد، آیه ۲۸)

﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾

ای رب جهانیان! «ما را به راه راست هدایت فرما!»  
مگذار که در کویر جهالت سرگردان شویم.

بگذار تا در کوچه باغ وصال، چون نسیمی در میان عطرگل های توحید رها شویم.  
ای مهربانترین مهربانان! از تو می خواهیم در کوچه های غفلت، چراغ «صراط المستقیم»  
را روشنی بخش راهمان سازی تا به مقصد رستگاری رهسپار شویم.  
الهی!

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه ای برون آی ای کوب هدایت<sup>۵</sup>

﴿صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین﴾

ای امید ناامیدان! از تو می خواهیم راه کسانی را به ما نشان دهی «که به آنان نعمت عطا  
کردی، همانان که نه درخور خشم اند و نه گمراهان».

ای کریم و دستگیر، دست ما را بگیر و ما را از شب ظلمانی «اماره» به صبح روشن «مطمئن»  
هدایت فرما!

ای خطاپوش! اگرچه در کوچه های خاکی دنیا راه بهشت را گم کرده ایم.  
اگرچه خطا کاریم و رو سیاه با کوله باری از گناه به سوی تو آمده ایم، اما:  
«دارم امید عاطفتی از جناب دوست

کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست»<sup>۶</sup>

دارم امیدم  
از جناب  
دوست  
کردم  
جنایتی  
امیدم  
عفو  
اوست

۱. دویستی های باباطاهر عریان؛ تهران، گنجینه، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۰
۲. بوستان سعدی؛ تصحیح محمد علی فروغی، تهران، علمی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳.
۳. مخزن الاسرار نظامی؛ تصحیح حسن وحیدی دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران، قطره، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۷.
۴. دیوان غزلیات حافظ؛ به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۷۷، ج ۲۶، ص ۱۱۲.
۵. دیوان غزلیات حافظ، ص ۱۳۰
۶. همان، ص ۸۳